

برداشتهایی از تهدید و امنیت



نوشته: یوشیکازو ساکاموتو

این بسیج مرکب از دو عامل است: تسلط و مشارکت. بر اثر تسلط، دو قشر جدا از هم ظاهر می‌شوند: برگزیدگان حاکم و توده‌هایی که بر آنها حکومت می‌شود. تعداد افراد قشر اول معمولاً اندک است. ولی شکل دیگری از ادغام اجباری نیز وجود دارد که در آن اکثریتی بر اقلیتی فایز می‌آید. آنچه که حائز اهمیت است تعداد نیست، بلکه جایگاه قدرت است.

نظام سیاسی کشوری که بدین نحو ادغام شده باشد ناگزیر دارای توزیع نابرابر و غیر عادلانه ارزشهاست. حتی در جامعه‌ای دموکراتیک نیز می‌توان توزیع غیر عادلانه آثار عدم امنیت خارجی را به نفع قشر برگزیدگان مشاهده کرد. گفته می‌شود که پیشنهادی در زمینه صلح جهانی حاوی این مطلب بود که «اگر پادشاه، رئیس جمهور، نخست وزیر و فرمانده کل قوا نخستین کسانی باشند که باید به خط مقدم جبهه بروند هرگز جنگی پیش نخواهد آمد».

از این رو در کشوری که مشکل از یک ملت است

در عین حال، آشکار است که هنگامی که پس از جنگ جهانگیر دوم «امنیت ملی» به صورت نماد سیاسی کلیدی درآمد، در بسیاری از کشورها مسئله «امنیت داخلی» اگر نه مهمتر دست کم اهمیتی برابر با «امنیت خارجی» - که در اصل همان «امنیت ملی» بود - پیدا کرد.

این امر مبین این واقعیت اساسی است که کشور همواره عبارت از واحدی متجانس و بهم فشرده نیست، بلکه مرکب از گروه‌هایی است که علایق متفاوت و غالباً متعارض دارند. بدین ترتیب، مطالعه مفاهیم «امنیت» و «تهدید» را باید با طرح دو پرسش اساسی شروع کرد: امنیت چه کسی، و امنیت چه چیزی؟ یا، تهدید نسبت به چه کسی و به چه چیزی؟ از این رو به بررسی بازیگران و ارزشها نیازمندیم.

ظهور و تثبیت حکومت‌های ملی جدید در غرب متضمن دو امر بود: یکی ایجاد دستگاه دولتی و دوم گسترش و نفوذ دادن آن در جامعه - بسیج مردمی که در آن کشور ادغام می‌شدند و «ملت» را تشکیل می‌دادند.

در چارچوب روابط بین الملل، «امنیت» به امنیت ملتها - «امنیت ملی» - ارتباط دارد. وجه سمبلیک نظام دولتی تأکید بر امنیت کشور به عنوان بازیگر اصلی و برتر در سیاست بین الملل است.

دو هفتاد و پنج سال از پایان جهان، با فاصله نه قرن، مسهلتور سمت چپ، از مکاشفه سن سور (۱۰۲۸)، با تفسیری از بیاتوس، راهب قرن هشتم، در اصل به صومعه سن سور در جنوب غربی فرانسه تعلق داشت و اکنون در کتابخانه ملی پاریس است. سمت راست، قسمتی از کزینیکای پابلو پیکاسو، «معروفترین نقاشی قرن ما» و نمادین‌ترین آنها، چه از نظر تهوّر استادانه در برداشت و اجرا و چه از نظر رابطه مهیب محتوای آن با اوضاع زمانه.

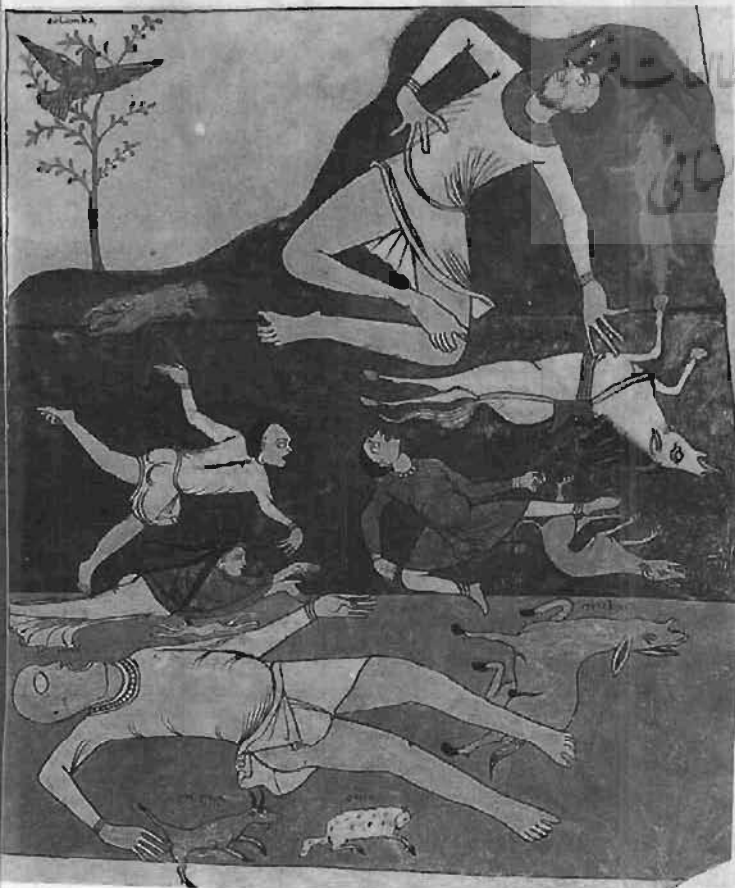


Photo © Bibliothèque Nationale, Paris



Photo © SPADEN 1966, Paris

◀ قشر برگزیدگان اقداماتی معمول داشته‌اند تا تضمین کنند که برداشتهای مردم از منافع خویش با برداشتهای نخبگان یکسان باشد. منظور از این اقدامات تقویت حس یکی بودن مردم با نخبگان و دولت است. و در این راه از دو مین جنبه روند بسیج یعنی مشارکت، چه واقعی باشد و چه حاصل اغوا و فریب، استفاده می‌کنند.

یکی از راه‌های تقویت حس یکی بودن مردم با دولت از طریق دستکاری کردن در برداشت عمومی نسبت به مسئله تهدید - امنیت است. این دستکاری را می‌توان در سه سطح به طور منظم به کار برد.

نخست مفهوم ارزشهایی است که باید در مقابل تهدید از آن دفاع و محافظت کرد. در این کشورها همیشه شقاقی نهان وجود دارد که ممکن است به بروز وضعی بینجامد که در آن ارزشهای برگزیدگان و ارزشهای مردم دیگر با هم سازگار نیستند، و نخبگان و مردم تهدیدی برای یکدیگر به شمار می‌آیند و «امنیت ملی» به صورت موضوعی اساسی برای طرفین درمی‌آید.

به منظور دفع خطر کاهش وفاداری و حس یگانگی از جانب مردم، نخبگان غالباً از نمادهایی چون نظم، سلطنت، مالکیت، سنت فرهنگی، و اسطوره‌های ملی مدد می‌گیرند که فراتر از منافع قشرها قلمداد می‌شوند.

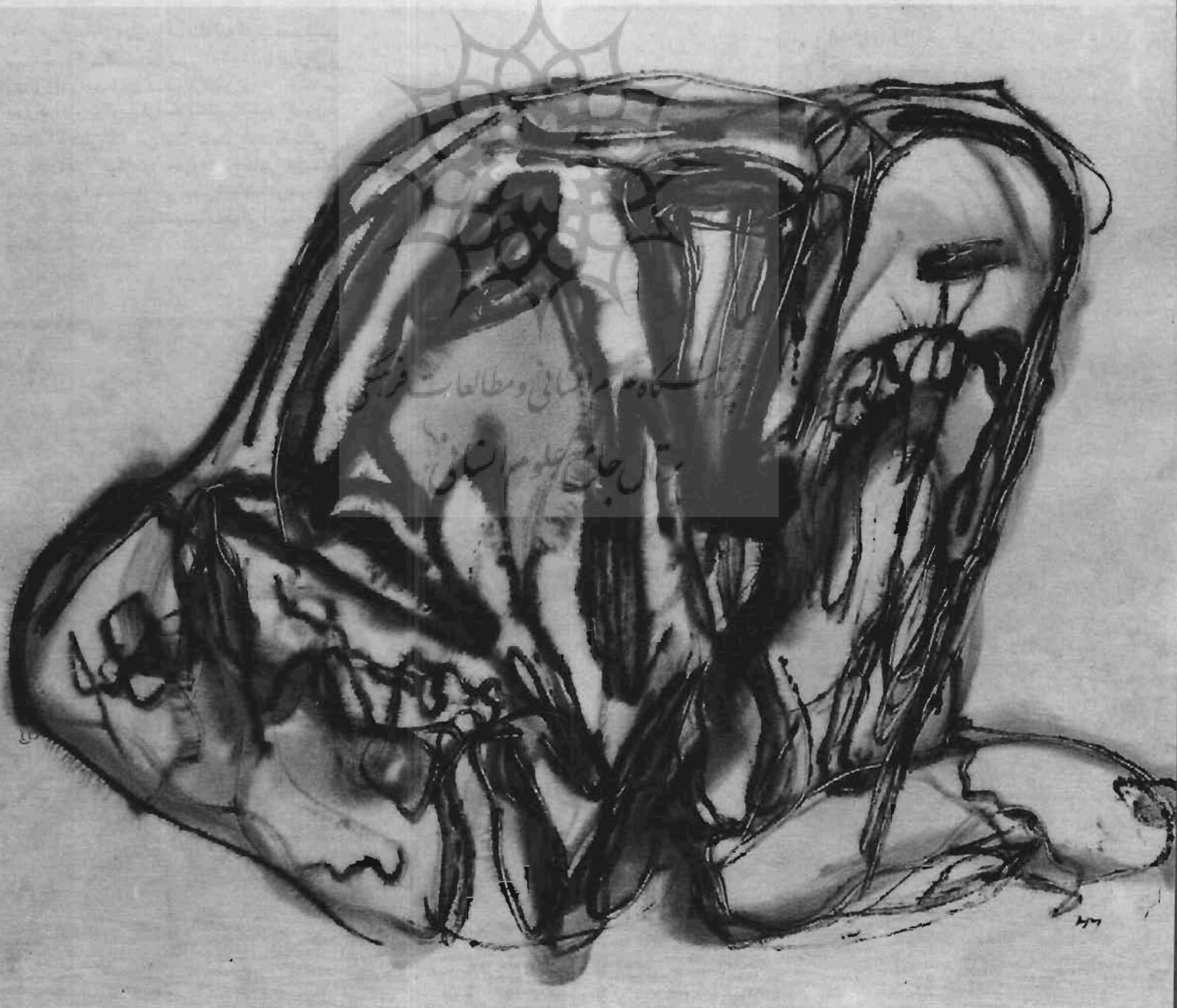
سطح دوم به برداشت وجود و درجه تهدید خارجی نسبت به امنیت مربوط می‌شود. حتی اگر شقاق داخلی محدود باشد و اجازه دهد که وفاقی ملی ظهور کند، هنوز هم نمی‌توان نسبت به وجود و درجه تهدید خارجی برداشتهای گوناگونی داشت. نتیجتاً، گروه نخبگان باید برداشت عاقلانه را چنان تغییر دهد تا عموم مردم را در حمایت از یک سیاست بسیج کند.

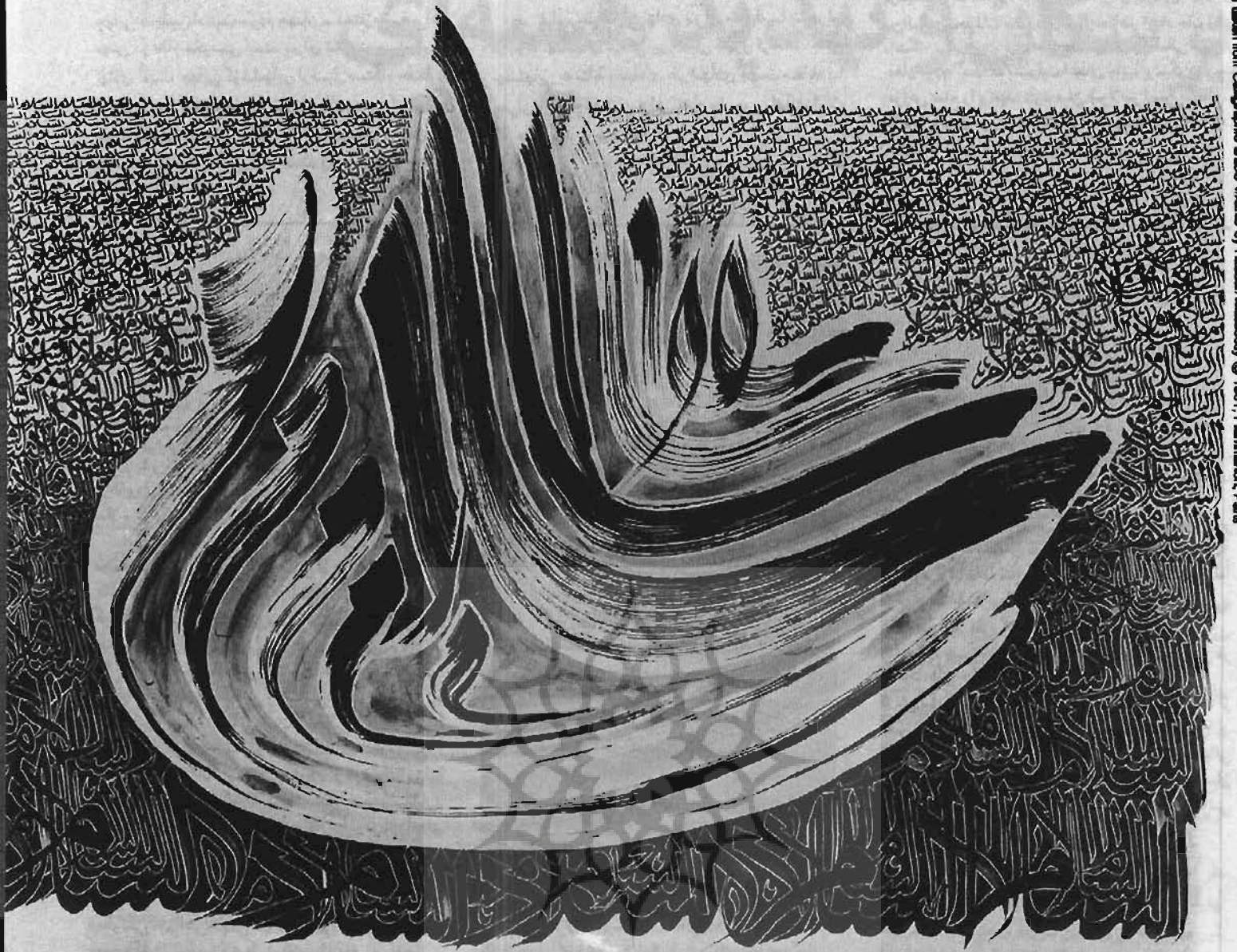
سطح سوم به هزینه مقابله با تهدید متصور مربوط می‌شود. برای تسهیل پذیرش همگانی این هزینه، دستکاری در برداشت عمومی به طور منظم با استفاده از نمادهای میهن‌دوستی انجام می‌شود تا مردم را مستقعد سازند که «تهدید» جدی است و هزینه آن قابل قبول است. آنچه که کلاً اتفاق می‌افتد این است که شهروندانی که تحصیل کرده هستند و درآمد بیشتری دارند «گروه مواظب» را تشکیل می‌دهند که به سهولت با سیاست و شعارهای گروه نخبگان سازگار نمی‌شوند. افراد فقیرتر و کم‌سوادتر هستند که احتمال بیشتری می‌رود به دام دستکاری در نمادهای میهن‌دوستانه بیفتند و در پشتیبانی از سیاست میهن پرستانه تمایل و حتی تمصب به خرج دهند. اینکه آنهایی که کمترین بهره را از نظام موجود می‌برند غالباً بیش از همه از خود سایه می‌گذارند و اقبالاً

فاجعه‌ای است.

شیوه دیگر برای تقویت حس یگانگی با کشور از طریق مشارکت دادن عامه در روند تخصیص ارزشهاست. این امر به دو صورت قابل اعمال است - مشارکت در روند تصمیم‌گیری سیاسی و بهره‌وری از وسایل رفاهی که توسط دولت توزیع می‌شود. اولی به درون داده و دومی به برون داد مربوط می‌شود. از نظر تئوری، غرب بر اولی تأکید دارد و شرق بر دومی. در عمل، کشورهای شرق و غرب دارای وجه مشترکی هستند - رفاه اجتماعی.

تکونین رفاه اجتماعی به نتایج متضادی انسجامیده است. از سوی، مردم را در زمینه رفاه خویش پیش از پیش به حکومت متکی کرده است. از سوی دیگر باعث تقویت این برداشت عمومی نسبت به دولت شده است که آنرا صرفاً وسیله‌ای برای ارضای نیازهای رفاهی مردم قلمداد می‌کنند، و این برداشت به فرسایش قدرت قانونی دولت منجر شده است. دولت ناظر به رفاه عمومی در قیاس با دولت ملی مرسوم خدمات بیشتری ارائه می‌کند و ارزشها را به صورتی عادلانه‌تر توزیع می‌کند. ولی اشتیاق و تعلق خاطر سیاسی کمتری را باعث می‌شود. شکل جدیدی از عدم تجانس میان دولت و مردم در حال ظهور است.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رساله جامع علوم انسانی

... خونفشان بر روی دیوار، زنده، گرمز یا نیمه عفن، زخم مردی... زخمهایی عجیب، بر دیوارهای خالی، که با خجالت و حال تهوع به آنها برمی خوریم. این سطور از شاعر فرانسوی هائری میثو است که آب رنگ سمت راست را نیز کشیده است. بالا، در «خط نگاری» حسن مسعودی، واژه صلح به زبان عربی («سلام») هیأت پرنده‌ای را در حال پرواز بر آبهای آرام القاء می‌کند. این آبها نیز با تکرار همین واژه به تصویر کشیده شده‌اند.



یکی از علت‌های اصلی این عدم تجانس از دست رفتن خاصیت «عدم امکان نفوذ»، بویژه عدم امکان نفوذ نظامی، در دولت مبهت بر یک ملت است. گرچه دولت ناهلر به رفاه عمومی تسهیلات رفاهی فراوانی در اختیار مردم می‌گذارد، ولی قادر به تضمین بقای آنها نیست. هیچ دولت واحدی، از جمله دولت‌های بزرگ، قادر نیست مردم خود را در مقابل خطر نابودی حفظ کند. بقای مردم یک قدرت بزرگ در اختیار قدرت بزرگ دیگری است.

خلاصه، اجرای امر مشارکت عمومی به تقویت روندی که به وسیله آن مردم با ملت یکی شوند نینجامیده است؛ برعکس، توسعه بیشتر مشارکت آگاهی مردم را نسبت بدین امر افزایش داده که یک کشور واحد چارچوب نهادی کافی جهت تضمین امنیت مردم نیست. امروزه عدم تجانس میان «امنیت ملی» و امنیت مردم را نه فقط در یک کشور واحد بلکه در زمینه امنیت بین‌المللی نیز می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

در سطح بین‌المللی، این گرایش به‌طور واضح وجود دارد که امنیت و تهدید نسبت بدان در چارچوب برداشته‌های تعداد بسیار اندکی از نخبگان در دولت‌های بزرگ تعریف می‌شود. این واقعیت که در نتیجه خطای یکی از تصمیم‌گیران عمده سراسر کره زمین ممکن است نابود شود شاهدهی است بر تمرکز خارق‌العاده قدرت که از طریق آن رابطه میان امنیت و تهدید از جانب مردم دنیا تعریف می‌شود بدون اینکه ایشان چنین اختیاری را به آن تفویض کرده باشند.

در حالیکه برداشت زبندگان هریک از قدرتهای بزرگ نسبت به تهدید امنیت مبتنی بر افزایش تسلیحات حریف است، برداشت مردم دنیا نسبت به تهدید امنیت مبتنی بر مسابقه تسلیحاتی میان قدرتهای بزرگ و ترس از این است که این امر ممکن است حتی از اختیار زبندگان این قدرتها نیز خارج شود. بدین ترتیب، تهدید به نظام امور مربوط می‌شود.

پس آمد این جنبه تهدید این است که نیل به امنیت جهانی - تأمین امنیت مردم جهان - مستلزم تغییرات مهمی در نظام حکومتی است. برای تقویت چارچوب نهادی امنیت جهانی کوششهایی از قبیل دستگاه حفظ و فراهم آوردن صلح متعلق به سازمان ملل متحد و ترتیباتی جهت کنترل تسلیحات و خلع سلاح به منظور رسیدن به «امنیت همگانی» به عمل آمده است، ولی پیشرفت چندانی

حاصل نشده است.

در غیاب چارچوبی نهادی برای مقابله با بحران موجود، نهضتهای مردمی بین المللی ظهور کرده اند. چنین نهضتهایی به مثابه وسیله ای غیر نهادی جهت مقابله با بحران و اقدام نخستین برای ایجاد چارچوبی نهادی است که حتماً باید بوجود آید.

یوشیکازو ساکاماتو، از ژاپن، دبیرکل پیشین انجمن بین المللی تحقیقات صلح و در حال حاضر استاد حقوق در دانشگاه توکیو است. وی عضو کمیسیون بین المللی صلح در اذنان مردم است که مسئولیت اعطای جایزه یونسکو در زمینه آموزش صلح را بر عهده دارد. متن طولانیتر این مقاله در سالنامه یونسکو در زمینه مطالعات صلح و تعارض، ۱۹۸۳ در سال ۱۹۸۵ توسط یونسکو منتشر شد.

آموزش عالی و صلح

خطر برخورد هسته ای بزرگترین مسئله ای است که امروز بشریت با آن روبرو است و کوشش برای اجتناب از نابودی هسته ای بایستی در آموزش درباره صلح و خلع سلاح از بالاترین اولویت برخوردار باشد. این دو مطلب از نتایج عمده ای است که اخیراً در مجمع مشاوره بین المللی برای یافتن طرق بهبود آموزش عالی در زمینه صلح و احترام به حقوق بشر و حقوق خلقها گرفته شده این گردهم آیی توسط یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در یونان از تاریخ بیستم تا بیست و چهارم ژانویه ۱۹۸۶ در آتن تشکیل شد و دانشمندان برجسته، متخصصان علوم اجتماعی و انسانی و آموزش عالی از هفده کشور منطقه اروپایی، امریکای لاتین، آفریقا، منطقه کشورهای عرب و آسیا در آن شرکت جستند. شرکت کنندگان، از جمله پروفیسور برنارد لون (برنده جایزه صلح نوبل در ۱۹۸۵ - رک. مقاله صفحه مقابل)، به شرح تجاربی در کشور خود و مبادله آرا در مورد راههای آموزش مسایل مربوط به صلح به دانشجویان خویش پرداختند. نحوه آموزش خطرهای جنگ هسته ای، مسایله تسلیحاتی، و کاربردهای نظامی علم و تکنولوژی، و نیز چگونگی افزایش سهمی که دانشجویان، پژوهندگان و تصمیم گیران آینده باید در یافتن راه حلهایی جهت مشکلائی که در این زمینهها موجود است داشته باشند مورد بحث قرار گرفت. در این مجمع خاطر نشان شد که خطرات جنگ

هسته ای و عواقب مسایله تسلیحاتی جهان رو به توسعه را نیز شامل می شود: برخی از کشورهای جهان سوم در حال حاضر سلاح هسته ای در اختیار دارند، و دیگران نیز از این کشورها در هراس هستند. در عین حال از ۱۹۲۵ تاکنون جنگهای بسیاری به وقوع پیوسته که در آنها از سلاحهای متعارف استفاده شده است و اجتناب از چنین جنگهایی و نیز تجاوز دایم به حقوق بشری نیز بایستی در اولویت باقی بمانند. کاهش زرادخانههای نظامی شرطی لازم برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بشر به طور کلی و بویژه کشورهای جهان سوم است.

با تأکید بر نیاز مبرم به بهبود اساسی آموزش عالی در این زمینهها، شرکت کنندگان دربارهٔ رهیافت کلی، هدفها، محتوا و شکلهای آموزش بین المللی پیشنهادهایی ارائه کردند. از جمله توصیههای ایشان مطالب زیر است:

- تشویق اتخاذ رهیافتی جهانی مبتنی بر مفاهیم تفاهم بین المللی، حسن مدارا و هم بستگی میان خلقها و کشورها، و بر احترام نسبت به تنوع فرهنگی؛
- تدوین استراتژی آموزشی که بر اساس آن آموزش برای صلح، احترام نسبت به حقوق بشر و حقوق خلقها در آموزش عمران و توسعه ادغام گردد؛
- استقرار آموزش بین المللی بر رهیافتی علمی؛
- وارد کردن هدفهای اجتناب از فاجعه هسته ای، اجتناب از جنگهای متعارف و تجاوز به حقوق بشر در هدفهای آموزش بین المللی؛

- تشویق فکر ایجاد جبهه واحدی از مردم برای رویارویی با خطر بی سابقه فاجعه هسته ای به منظور تضمین بقای تمدن بشری؛
- مقاومت در برابر تکوین کلیشه های ایدئولوژیکی و روانشناختی که متضمن نفی انسانیت خلقهای دیگر است؛
- بهبود ارتباطات میان دانشمندان و سیاستمداران؛
- طرح مسایل مربوط به نظام جدید اقتصاد بین المللی، عقب افتادگی، فقر، استعمار و استعمار جدید؛
- ایجاد برنامه های آموزش صلح و حقوق بشر در دانشگاه های نظامی؛
- تشویق استقرار «مدارس و دانشگاه های مرتبط» از کشورهای مختلف به منظور تقویت تفاهم بین المللی؛
- استقرار سنتی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی مبتنی بر ادای سوگندی از جانب دانشمندان و مهندسان جوان که در آن توجه آنها به عواقب اخلاقی و انسانی پژوهش علمی و پیشرفت فنی جلب شود.



Photo Unesco

آموزگاران غالباً مواد مستند و کمکیهای آموزشی دیگر را جهت یاری دادن ایشان در امر معرفی امور بین المللی به دانش آموزان در دسترس ندارند. برای رفع این نیاز، سازمان ملل متحد و پروژه مدارس به هم پیوسته یونسکو به تهیه کتابی درسی برای مدارس ابتدایی و متوسطه تحت عنوان نگرانیهای جهانی و سازمان ملل متحد دست زده اند. این کتاب که به زبانهای انگلیسی، فرانسه و اسپانیولی منتشر شده، شامل نمونه مواد درسی در مورد موضوعاتی چون صلح و خلع سلاح، حقوق بشر، نژادپرستی، پیشرفت، محیط زیست، و تنوع فرهنگی، و نیز راهنماییهایی به آموزگاران جهت تهیه درسهای فوق انگیزی است که می توان به دروس تاریخ، جغرافیا، علوم، زبانها و حتی ریاضیات منضم ساخت. نقاشی سمت چپ که دختری رومانیایی به نام آدریانا مویسین، دوازده ساله، کشیده است، نمونه یک درس را در زمینه برداشتهای گوناگون از جهان به دست می دهد.